

فهرست مطالب

سخنی با خواننده	۱۹
مقدمه	۲۳
۱. شرح حال آمدی	۲۳
۲. مذهب آمدی	۲۴
۳. ویژگی کتاب غرر الحکم	۲۵
۴. حجیت و استناد کتاب غرر الحکم	۲۷
۵. جایگاه روایات در اندیشه اسلامی	۳۲
۶. جایگاه روایات سیاسی در تبیین نوع نگرش به سیاست	۳۳
۷. بیان مسئله تحقیق	۳۵
۸. ویژگی های این تحقیق	۳۹

فصل اول: مفاهیم اساسی سیاست دینی

۱. سیاست	۴۳
الف) سیاست نفس	۴۷
ب) سیاست و رفتار	۴۹
ج) سیاست دین	۵۰

۸۹	ب) عدالت و ثبات دولت
۹۰	ج) دولت نامطلوب
۹۱	د) دوام و زوال دولت

فصل دوم: معیارهای سیاست‌ورزی

۹۵	۱. خیر و شر
۹۶	الف) افراد شر
۹۸	۲. حقّ
۹۹	الف) حق و باطل
۱۰۱	اول: تبعیت و عمل به حق
۱۰۲	دوم: آثار عمل به حق
۱۰۴	سوم: مخالفت با حق
۱۰۶	چهارم: یاری حق
۱۰۷	پنجم: اقامه حق
۱۱۰	ب) حق و تکلیف
۱۱۳	۳. اطاعت
۱۱۴	الف) ضرورت اطاعت
۱۱۵	ب) ویژگی اطاعت
۱۱۷	ج) آثار اطاعت
۱۲۰	د) اطاعت از خداوند و رسول
۱۲۱	هـ) اطاعت از امام
۱۲۳	و) آثار اطاعت امام

۵۱	د) سیاست و حاکمیت
۵۲	هـ) سیاست مطلوب
۵۳	و) عدالت و سیاست
۵۴	۲. ریاست
۵۵	الف) ریاست و پیامدهای آن
۵۶	ب) ویژگی ریاست (رئیس)
۵۷	ج) آفات حب ریاست
۵۷	د) سیاست و ریاست
۵۹	هـ) جاه و مقام
۶۰	۳. ولایت
۶۲	الف) جایگاه ولایت
۶۳	ب) ولایت جائز
۶۶	ج) ولایت عادل
۶۷	۴. امامت (اهل بیت):
۷۳	الف) ضرورت امامت
۷۴	ب) حب و بغض اهل بیت:
۷۹	۵. ماهیت قدرت و حکومت
۸۳	الف) آثار قدرت
۸۴	ب) آفات قدرت
۸۵	ج) زوال قدرت
۸۶	۶. دولت
۸۸	الف) دولت مطلوب

۱۵۲ نهیم: تباهی
۱۵۳ دهم. سایر آثار (تکوینی)
۱۵۴ (ه) عدل و ظلم
۱۵۶ ۳. حرمت بغی
۱۵۸ الف) نهی از بغی
۱۵۹ ب) آثار بغی
۱۶۰ اول: سلب نعمت
۱۶۰ دوم: عقوبت
۱۶۰ سوم: تقمت
۱۶۱ چهارم: شکست (صرعه)
۱۶۱ پنجم: هلاکت
۱۶۱ ششم: پیامد عکس
۱۶۲ ۴. تقیه
۱۶۳ ۵. اعانه بر خیر
۱۶۴ الف) یاری‌رسانی
۱۶۴ ب) کمک به مظلوم
۱۶۶ ج) کمک به باطل
۱۶۷ ۶. مدارا و تسامح

فصل چهارم: حکومت و نظام سیاسی

۱۷۱ ۱. حاکمیت سیاسی
۱۷۳ الف) ضرورت حکومت

۱۲۴ ز) اطاعت مجاز
۱۲۷ ح) اطاعت غیر مجاز
۱۲۹ ط) نافرمانی

فصل سوم: قواعد اساسی سیاست دینی

۱۳۲ ۱. عدالت
۱۳۴ الف) حسن عدالت
۱۳۶ ب) الزام به عدالت
۱۳۸ ج) آثار عدالت
۱۴۰ ۲. نفی ظلم و جور
۱۴۱ الف) اقسام ظلم و جور
۱۴۳ ب) قبح ظلم و جور
۱۴۵ ج) منع از ظلم و جور
۱۴۷ د. آثار ظلم و جور
۱۴۸ اول: ویرانی
۱۴۸ دوم: نابودی
۱۴۹ سوم: عذاب
۱۵۰ چهارم: سلب نعمت
۱۵۱ پنجم: عقوبت
۱۵۱ ششم: هلاک
۱۵۲ هفتم: پشیمانی
۱۵۲ هشتم: بی‌سرانجامی

۲۰۵	اَوَّل) عدالت
۲۰۶	دوم) ظلم
۲۰۷	ج) جایگاه نظر مردم در حکومت
۲۰۹	۴. وطن (سرزمین)

فصل پنجم: مدیریت جامعه دینی

۲۱۱	۱. تدبیر
۲۱۲	الف) ضرورت تدبیر
۲۱۳	ب) حسن تدبیر
۲۱۳	ج) سوء تدبیر
۲۱۴	۲. حزم و دوراندیشی
۲۱۵	الف) ضرورت دوراندیشی
۲۱۷	ب) راه‌ها و روش‌های دوراندیشی
۲۲۰	ج) آفات دوراندیشی
۲۲۰	د) ثمره‌های دوراندیشی
۲۲۱	۳. تفکر
۲۲۱	الف) ضرورت تفکر
۲۲۲	ب) آثار تفکر
۲۲۵	ج) شرایط و لوازم تفکر
۲۲۶	۴. مشورت
۲۲۷	الف) حسن مشورت
۲۲۹	ب) ضرورت مشورت

۱۷۵	ب) اهداف حکومت
۱۷۹	ج) مشروعیت حکومت
۱۸۱	د) حراست از حکومت
۱۸۳	هـ) آفات حکومت
۱۸۴	۲. کارگزاران حکومت
۱۸۵	الف) کارگزاران (وزیران)
۱۸۶	ب) قاضیان
۱۸۷	اول: قضاوت و عدالت و ظلم
۱۸۸	ج) ویژگی حاکمان
۱۸۹	اول: عدالت
۱۹۳	دوم: علم
۱۹۴	سوم: عقل و عفت
۱۹۴	چهارم: ویژگی حاکمان نامطلوب
۱۹۵	پنجم: گونه تعامل با حاکمان
۱۹۸	یک: پرهیز
۱۹۹	دو: عدم مبارزه
۲۰۰	سه: مدارا
۲۰۱	چهار: احترام
۲۰۱	پنج: آداب همکاری
۲۰۲	۳. جایگاه مردم در نظام سیاسی
۲۰۲	الف) وظیفه حاکمان در برابر مردم
۲۰۵	ب) عدالت و ظلم به مردم

۲۵۵ ۷. تغافل

فصل ششم: مسائل اساسی سیاست

۲۵۸ ۱. نظارت

۲۵۹ الف) نظارت درونی

۲۶۰ اول: مبارزه با نفس

۲۶۱ یک: دشمنی نفس

۲۶۱ دو: فرمانروایی و نفس

۲۶۲ سه: مراقبت و غلبه بر هوا و هوس

۲۶۳ چهار: جهاد با نفس

۲۶۵ پنج: ثمره جهاد با نفس

۲۶۶ شش: ثمره محاسبه نفس

۲۶۷ دوم: لزوم تقوا و ورع

۲۶۷ یک: ورع

۲۶۸ سوم: موعظه

۲۷۰ چهارم: اصلاح

۲۷۰ یک: اصلاح نفس

۲۷۱ دو: اصلاح دیگران

۲۷۲ سه: اصلاح نفس قبل از اصلاح غیر

۲۷۴ ب) نظارت بیرونی

۲۷۴ اول: امر به معروف و نهی از منکر

۲۷۵ یک: ضرورت امر به معروف

۲۳۱ ج) با چه کسی باید مشورت کرد

۲۳۳ د) با چه کسی نباید مشورت کرد

۲۳۵ هـ) آثار مشورت

۲۳۷ و) وظایف مشورت‌دهنده

۲۳۹ ز) آفات مشورت

۲۴۰ ۵. رفق و مدارا

۲۴۰ الف) حسن رفق

۲۴۲ ب) رفق و مدارا در عرصه عمل

۲۴۳ ج) آثار رفق

۲۴۳ اول: سلامت

۲۴۴ دوم: سهولت

۲۴۵ سوم: پیروزی

۲۴۵ چهارم: رسیدن به مقصود

۲۴۶ پنجم: امنیت

۲۴۷ ششم: رفع دشمنی

۲۴۷ هفتم: موفقیت

۲۴۹ ۶. آزمایش و امتحان

۲۵۰ الف) ضرورت آزمایش

۲۵۱ ب) لوازم آزمایش

۲۵۲ ج) فتنه

۲۵۴ د) هشیاری و مراقبت

۳۰۱	یک: عوامل تحصیل	۲۷۶	دو: آثار امر به معروف و نهی از منکر
۳۰۲	دو: عوامل تهدید	۲۷۷	سه: درجات امر به معروف و نهی از منکر
۳۰۳	ب) مسائل امنیّت	۲۷۸	چهار: امر به معروف و قدرت (سیف)
۳۰۳	اول: جهاد	۲۷۹	پنج: شرایط امر به معروف و نهی از منکر
۳۰۴	یک: غنیمت	۲۸۰	دوم: نصیحت
۳۰۵	دو: شهادت	۲۸۴	یک: حسن نصیحت
۳۰۶	سه: سپاهیان	۲۸۴	دو: اهمیّت نصیحت
۳۰۶	چهار: حفظ اسرار	۲۸۶	سه: ثمره‌های نصیحت
۳۰۸	پنج: فرار از جنگ	۲۸۷	چهار: غش در نصیحت
۳۱۰	شش: پیروزی	۲۸۸	پنج: رد نصیحت
۳۱۰	هفت: اخلاق پیروزی	۲۸۸	شش: قبول نصیحت
۳۱۱	دوم: دشمن و دشمنی	۲۸۹	هفت: مدح ناصح
۳۱۲	یک: ماهیّت دشمنی	۲۹۱	هشت: نصیحت نامطلوب
۳۱۲	دو: دشمن	۲۹۱	سوم: نفی استبدادورزی
۳۱۳	سه: کیستی دشمن	۲۹۳	یک: نفی تجبّر و گردنکشی
۳۱۴	چهار: قبح دشمنی	۲۹۴	۲. امنیّت
۳۱۵	پنج: گونه رویارویی با دشمن	۲۹۵	الف) مبانی امنیّت
۳۱۹	شش: آثار و تبعات دشمنی	۲۹۶	اول: ضرورت امنیّت
۳۲۱	سوم: صلح	۲۹۷	دوم: ایمان و امنیّت
		۲۹۸	سوم: امنیّت و خوف
		۳۰۰	چهارم: چالش امنیّت
		۳۰۱	پنجم: عوامل تحصیل و تهدید امنیّت

فصل هفتم: عوامل زوال و بقای حیات سیاسی مطلوب (اخلاق سیاسی)

۱. عوامل زوال ۳۲۶

۳۵۷	اول: سخاوت و سلطنت	۳۲۶	الف) خیانت
۳۵۷	دوم: آثار سخاوت	۳۲۸	ب) اختلاف
۳۵۷	یک: سیادت	۳۳۰	ج) تملق
۳۵۸	دو: آشتی	۳۳۳	د) سوءظن
۳۵۸	سه: سایر موارد	۳۳۴	هـ) غفلت
۳۵۹	ج) عفو	۳۳۶	و) مکر
۳۵۹	اول: حسن عفو	۳۳۷	ز) خدعه
۳۶۰	دوم: عفو و قدرت	۳۳۸	ح) حیله
۳۶۲	سوم: آثار عفو	۳۳۹	ط) غدر (پیمان شکنی)
۳۶۳	د) عبرت	۳۴۲	ی) حرص و طمع
۳۶۳	اول: آثار عبرت	۳۴۲	س) غضب
۳۶۴	دوم: عبرت از تاریخ زمانه	۳۴۶	ل) خودشیفتگی
۳۶۷	هـ) تواضع	۳۴۹	م) خودبینی (عجب)
۳۶۸	و) حسن خلق	۳۴۹	ن) تکبر
۳۶۹	ز) صبر	۳۵۱	۲. عوامل بقاء
۳۶۹	ح) حلم	۳۵۱	الف) انصاف
۳۷۰	ط) کظم غیظ	۳۵۳	اول: آثار انصاف
۳۷۱	ی) صداقت	۳۵۴	دوم: آثار نداشتن انصاف
۳۷۲	ک) آزادی و آزادگی	۳۵۴	سوم: انصاف و عدالت
۳۷۷	خاتمه	۳۵۵	چهارم: انصاف و قدرت
۳۸۱	منابع	۳۵۶	ب) سخاوت

نمایه‌ها

آیات	۳۸۷
روایات	۳۸۸
اعلام	۴۵۸
موضوعی	۴۵۹
کتاب‌ها	۴۶۷

سخنی با خواننده

پژوهش در حوزه اندیشه سیاسی از منظر دینی به منظور شناخت مبانی، سرشت و ساختار آن در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ضرورتی انکارناپذیر یافته است. ژرف‌نگری در مبانی دینی مشتمل بر عقل و آموزه‌های وحیانی و عرف جامعه اسلامی - ایرانی شرطی اساسی در پویایی پژوهش‌ها برای دستیابی به الگوی مطلوب حکومت اسلامی در دوره جدید است؛ از این رو شناخت، بازخوانی، بازنگری و بومی‌سازی مسائل علم و اندیشه سیاسی، جایگاه ویژه‌ای در این پژوهش‌ها دارند.

بی‌تردید قصد اولیه انقلاب اسلامی هدفمندی و ارتقای کیفیت زندگی مؤمنان بر اساس نصوص اسلامی بود. لازمه تحقق این هدف تربیت اندیشمندان فراوان و انجام تحقیقات بروز، کارآمد و معتبر علمی بود که در این زمینه با راهنمایی استادان و همکاری طلاب فارغ‌التحصیل علوم سیاسی، زمینه شکل‌گیری پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی در سال ۱۳۷۳ فراهم شد. تجربه نو و موفق این پژوهشگران در معرفی بخشی از میراث سیاسی عالمان شیعی و تألیف آثاری مستقل درباره مسائل نوپیدای سیاسی، زمینه گسترش فعالیت‌های این مرکز و ارتقای آن به پژوهشکده‌ای مستقل را مهیا کرد.

این پژوهشکده به منظور ایفای رسالت خود، تولیدات پژوهشی فراوانی به

جامعه علمی ارائه کرده است؛ از آن جمله می‌توان به تألیف، تصنیف و ترجمه ده‌ها کتاب در حوزه اندیشه سیاسی اسلام اشاره کرد. چشم‌انداز این پژوهشکده تبدیل شدن به مرجعی علمی درباره اندیشه سیاسی - دینی است تا بتواند با گردآوری مهم‌ترین تلاش‌ها و اندیشه‌ها به بسیاری از علاقه‌مندان این حوزه، خدمات علمی مؤثری ارائه کند.

کتاب حاضر که به غرض تحقق اموری چون تسهیل در گستره امر سیاست پژوهی دینی، تهیه نظامی منطقی برای باب‌ها و کتاب‌های مرتبط با عرصه سیاست، ارائه مجموعه‌ای منسجم از روایات در عرصه اخلاق سیاسی حاکمان و کارگزاران، ارائه مجموعه‌ای منسجم از روایات در خصوص عوامل بقا و زوال حکومت و الگویی روایت‌مدار از حضرت علی 7 برای اصحاب سیاست، حاکمان و کارگزاران، به گزینش روایات عرصه سیاست و حکومت، از کتاب غرر الحکم مبادرت ورزیده و به مثابه بخشی از دایرةالمعارف روایی شیعه در عرصه سیاست، برای بهره‌مندی دانشجویان عزیز و طلاب محترم علوم دینی تهیه شده است، امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی و حوزوی، دیگر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

لازم می‌دانم از تلاش‌های مؤلف محترم حجت‌الاسلام والمسلمین آقای سیدسجاد ایزدهی، ناظر ارجمند حجت‌الاسلام والمسلمین آقای ابوالفضل سلطان‌محمدی، ارزیاب محترم حجت‌الاسلام والمسلمین آقای روح‌الله شریعتی، مدیر محترم امور پژوهشی آقای محمود فلاح و همکاران دفتر پژوهش تشکر و قدردانی کنم؛ همچنین از ریاست محترم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر نجف لکزایی که مساعدت‌های مؤثر ایشان نقشی اساسی در به‌سرانجام رسیدن پژوهش حاضر

داشت، تشکر نمایم. در پایان نیز از اداره محترم نشر پژوهشگاه به جهت آماده‌سازی و چاپ این اثر ارزشمند تشکر و قدردانی می‌نمایم. این پژوهشکده به منظور حیات و بالندگی خود از انتقادهای و پیشنهادهای علمی استادان، صاحب‌نظران و پژوهشگران محترم استقبال می‌کند. امید است این فعالیت‌ها موجبات رشد و پویایی اندیشه سیاسی اسلام را فراهم سازد.

دکتر منصور میراحمدی

مدیر پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

مقدمه

۱. شرح حال آمدی

نویسنده کتاب غرر الحکم و درر الکلم قاضی ناصح‌الدین ابوالفتح عبدالواحد بن محمد بن عبدالواحد تمیمی آمدی (م ۵۱۰ق) است. نام وی را برخی محمد بن عبدالواحد ذکر کرده‌اند. وی از استادان ابن شهر آشوب سروی مازندرانی بوده و اجازه روایت کتاب غرر الحکم را بدو بخشیده است.^۲ آمدی شاگرد احمد غزالی^۳ و به قولی پدر شیخ فقیه ابو محمد عبدالله بن عبدالواحد بود.^۴

از زندگانی او آگاهی چندانی در دست نیست و تاریخ دقیق ولادت و وفات او در هیچ یک از کتاب‌های رجال نیامده است. آمدی خود در مقدمه جواهر الکلام از احمد غزالی (م ۵۲۰ق) به عنوان معاصر خویش یاد کرده است^۵ و ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ق) ضمن بیان سندهای کتاب‌های شیعه اشاره می‌کند که اجازه روایت غرر الحکم را از او گرفته است.^۶

۱. آغابزرگ تهرانی؛ الذریعة الی تصانیف الشیعه؛ ج ۱۶، ص ۳۸.

۲. ابن شهر آشوب؛ معالم العلماء؛ ص ۸۱.

۳. گروه نویسندگان؛ المحقق الطباطبائی فی ذکراه السنویة الاولى؛ ج ۳، ص ۱۲۸۱.

۴. میرزا عبدالله افندی؛ ریاض العلماء؛ ج ۳، ص ۲۸۴.

۵. مصطفی بن عبدالله حاجی خلیفه؛ کشف الظنون عن أساسی الکتب و الفنون؛ ج ۱، ص ۶۱۶.

۶. ابن شهر آشوب؛ مناقب آل ابی طالب؛ ج ۱، ص ۱۱-۱۲.

سال درگذشت وی را بنا بر اختلاف‌ها، سال‌های ۵۱۰، ۵۲۰ و ۵۵۰ هجری یاد کرده‌اند، گرچه محدث ارموی در مقدمه غرر الحکم با استناد به قراین و شواهد، سال ۵۵۰ قمری را بر بقیه نظرها ترجیح داده است.^۱

محدث نوری در فایده سوم از خاتمه مستدرک الوسائل، آمدی را از مشایخ و استادان ابن شهر آشوب (م ۵۵۸ق) معرفی کرده است؛ چراکه ابن شهر آشوب در کتاب مناقب آل ابی طالب^۲ صراحتاً گفته است که از عبدالواحد تمیمی آمدی اجازه روایت دارد. از آنجاکه تولد ابن شهر آشوب به سال ۴۸۸ و وفاتش سال ۵۸۸ است،^۳ می‌توان تخمین زد وی از علمای قرن پنجم هجری است، گرچه میرزا محمدعلی مدرس خیابانی در کتاب ریحانة الادب^۴ تاریخ وفات وی را ۵۱۰ هجری گزارش کرده است.

وی قاضی بوده و منسوب به شهر آمد از شهرهای مهم دیار بکر است.^۵ از او کتاب دیگری نیز با نام جواهر الکلام فی الحکم و الاحکام من قصة سيد الانام برجای مانده است.^۶

۲. مذهب آمدی

برخی با استناد به اینکه آمدی در آغاز شرح خود، علی ۷ را با «کرم الله وجهه» می‌ستاید، او را غیر شیعی دانسته‌اند؛ اما میرزا عبدالله افندی، ابن شهر آشوب

۱. عبدالواحد تمیمی آمدی؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ مقدمه، ص «عط».

۲. ابن شهر آشوب؛ مناقب آل ابی طالب؛ ج ۱، ص ۹.

۳. میرزا محمدعلی مدرس؛ ریحانة الادب؛ ج ۱، ص ۲۸.

۴. همان.

۵. سید محسن امین؛ أعيان الشيعة؛ ج ۶، ص ۳۲۶.

۶. میرزا عبدالله افندی؛ ریاض العلماء؛ ج ۳، ص ۲۸۴.

و علامه مجلسی او را مُحدِّث امامی شیعی می‌دانند.^۱ میرزا عبدالله افندی آن عبارت را ناشی از تقیه یا تصرف کاتبان و ناسخان می‌داند^۲ و محدث نوری با چند دلیل اثبات می‌کند که وی شیعه است.^۳

۳. ویژگی کتاب غرر الحکم

کتاب غرر الحکم حاوی ۱۰۷۶۰ حدیث کوتاه از امام علی ۷ است که آمدی از کتاب‌هایی مانند نهج البلاغه، مائة کلمة جاحظ، تحف العقول و دستور معالم الحکم گرد آورده است. وی این احادیث را با نظر به نخستین کلمه حدیث و به ترتیب حروف الفبا در ۹۱ باب سامان داده است. برای آسانی یافتن یک روایت در موضوعی خاص، این اثر در چاپ‌های جدید به ترتیب موضوعی تدوین شده است. روایات غرر الحکم از نظر موضوعی عام است و شامل روایات اعتقادی، اخلاقی، عبادی، اجتماعی و سیاسی می‌شود. این روایات بدون سند آورده شده‌اند. نویسنده در مقدمه کتاب می‌گوید خودش سندها را حذف کرده است.^۴

آوازه غرر الحکم از همان زمان تألیف، طنین‌افکن بوده و مورد کتابت و قرائت و اجازه و استجازه واقع شده است. آمدی در مقدمه غرر الحکم می‌گوید:

۱. همان، ص ۲۸۱. ابن شهر آشوب؛ معالم العلماء؛ ص ۸۱. محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۱، ص ۳۴.

۲. عبدالواحد تمیمی آمدی، فاضل و عالم برجسته و محدث شیعی و اثناعشری است و اینکه در مقدمه کتاب خود بعد از ذکر نام مبارک امیرالمؤمنین جمله دعاییه «کرم الله وجهه» را آورده است، نمی‌توان به غیر امامی بودنش استدلال کرد؛ زیرا این کار را بنا به تقیه انجام داده یا از اضافات نویسندگان و نسخه‌پردازان کتاب است (میرزا عبدالله افندی؛ ریاض العلماء؛ ج ۳، ص ۲۸۱).

۳. میرزا حسین نوری؛ مستدرک الوسائل؛ ج ۳، ص ۹۱-۹۶.

۴. عبدالواحد تمیمی آمدی؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ مقدمه، ص ۱۴.

آنچه مرا وادار به جمع‌آوری این کتاب کرد، افتخاری است که ابوعثمان جاحظ در جمع‌آوری مائة کلمه نموده است و بسی موجب تعجب می‌باشد که این مرد با اینکه علامه روزگار خویش بوده و در دانش و بینش، یگانه عصر خود شمرده می‌شود و به مبدأ نزدیک‌تر بوده، چگونه عظمت کلمات دیگر آن حضرت بر او مخفی شده و از آن همه کلمات بی‌شمار بدین شماری اندک قناعت نموده و من با اینکه شایستگی این مقام را ندارم، بسیاری از کلمات آن حضرت را جمع نمودم، گرچه در مقابل حکم و مواظ و کلمات آن حضرت، اندکی از بسیار و یکی از هزار است. آن‌گاه من با همه مشغله و پریشانی خاطر و درحالی که به عجز و ناتوانی خود واقف بودم، عزم خود را جزم ساختم، تا آنجا که در تیررس فکر و اندیشه‌ام باشد، سخنان آن حضرت را گرد آوردم و کتابی در این عرضه دارم و برخی از حکمت‌ها و اندکی از بی‌شمار سخنان آن حضرت را (که سخنوران و حکمای جهان از آوردن مثل او عاجز و ناتوانند) جمع کنم. برای اختصار اسناد آن سخنان را حذف کردم؛ کلماتش را به ترتیب تهجی مرتب ساختم؛ سخنان حکیمانه و کلمات آن حضرت را از حیث سجع و قافیه، موافق و مطابق یکدیگر قرار دادم. به این ترتیب این کلمات بهتر در گوش جای می‌گیرد و در دل‌ها فرود می‌آید. با تمام این اوصاف من این گزیده را از ترس اطناب به ایجاز و اختصار فراهم آوردم تا خواننده را رنجی نرسد و به ادب و خردمندان شادی و شفع ارزانی دارد و آن را غرر الحکم و درر الکلم نامیدم.^۱

۴. حجیت و استناد کتاب غرر الحکم

چنان‌که پیش‌تر گذشت، آمدی به سبب رعایت اختصار در حجم کتاب، اسناد روایت کتاب غرر الحکم را ذکر نکرده و روایات را فارغ از سندهای آنها نقل کرده است و از این جهت، استناد و به تبع حجیت این کتاب مورد خدشه قرار گرفته است و بسیاری از فقیهان نیز بدین مناسبت بر این باور قرار گرفتند که روایات این کتاب به دلیل فقدان سند قابل استناد نیست،^۱ بلکه برخی نویسندگان نیز ضمن تحلیل روایات این کتاب و مقایسه آن با کلمات و عبارات کتب دیگر، حجیت و استناد روایات آن را مورد خدشه قرار دادند. در این زمینه جناب آذرتاش آذرنوش در مقاله‌ای تحت عنوان «غرر الحکم و اندرزهای ایرانی» بر این باور است که آمدی در حالی بیش از یازده هزار اندرز یا عبارت حکمت‌آمیز را به حضرت علی ۷ نسبت داده است که بسیاری از آنها در کتاب‌های پیش از غرر الحکم به حکمای عصر ساسانی منسوب شده‌اند؛ یعنی هم روایت‌گران از آمدی کهنه‌ترند و هم خاستگاه اندرزها.^۲ وی در ادامه چند پرسش مطرح می‌کند که به منظور تشکیک در حجیت استناد این کتاب مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد:

اینک چند سؤال در ذهن پژوهشگران پدید می‌آید

الف) آیا سخنان امام ۷ را برخی از ایرانیان (به‌خصوص شعوبیان) برگرفته

و به نیاکان خود نسبت داده‌اند تا بدین سان کسب اعتبار کنند؟

۱. ناصر مکارم شیرازی؛ انوار الفقاهه؛ کتاب البیع، ص ۴۶۵.

۲. آذرتاش آذرنوش؛ «غرر الحکم آمدی و اندرزهای ایرانی»؛ ص ۲۳-۲۴.

ب) آیا سخنان حکمت‌آمیز فرزندان ایران از نوع بزرگمهر آن‌چنان ارجمند بوده که مقبول جامعه اسلامی قرار گرفته و سپس آن معانی را شایسته مقام امام علی ۷ نیز دانسته، از سر پاکدلی و بی‌توجهی به آن حضرت نسبت داده‌اند؟

ج) آیا کسانی که این روایات را به ایرانیان نسبت داده‌اند، راست می‌گویند یا دروغ‌پردازند و از سر بی‌عنایتی با آیین تشیع و تعصب به عجم خواسته‌اند فضیلت این سخنان را به ایرانیان ببخشند؟

پاسخ به این پرسش‌های به‌ظاهر آسان نیاز به پژوهشی درازآهنگ دارد؛ زیرا به شخصیت بزرگانی چون ابن‌قتیبه، ثعالبی و مسکویه به‌آسانی نمی‌توان خرده گرفت؛ زیرا این سه تن از اساتید فرهنگ اسلامی هستند و خدماتشان به فرهنگ و زبان عربی تردیدناپذیر است.

از سوی دیگر آمدی دچار دو لغزش بزرگ و نابخشودنی شده که کار را بر پژوهشگر بسی دشوار می‌کند: نخست آنکه وی اعتراف می‌کند که در سخنان امام علی ۷ دست برده و آنها را آرایش کرده؛ یعنی موازنه و سجع در آنها نهاده است. دوم آنکه وی به قصد اختصار، اسناد روایت‌های خویش را یک‌سره حذف کرده و هم خود را در معرض بی‌اعتمادی مطلق قرار داده و هم امکان هر گونه تحقیق را از ما گرفته است. در اینجا حلقه مفقوده‌ای که ما را دستخوش پریشانی خاطر می‌کند آن است که از خود می‌پرسیم روایت آمدی طی چهار قرنی که میان او و امام علی ۷ فاصله انداخته، کجا بوده‌اند؟ آیا در جایی نوشته و محفوظ مانده بودند و آمدی همان نوشته‌ها را نقل کرده یا اینکه او خود اینجا و آنجا از زبان این عالم و آن راوی آنها را شنیده و گردآوری کرده است؟ اگر کار آمدی چنین باشد، آن‌گاه لاجرم راه جعل را به

روی خود گشوده است و سخن هر عالم و عامی را باور کرده و هر گفته درست و نادرستی را به امام علی ۷ نسبت داده است.^۱

نویسنده مقاله در ادامه به توصیف کتبی می‌پردازد که تاریخ‌نگارش آنها به قبل از تدوین کتاب غرر الحکم بر می‌گردد و در عین حال، عبارات آنها به غیر از امام علی ۷ مستند است یا عبارات آن مورد تشکیک قرار گرفته یا به مثابه ضرب‌المثل فرض شده است؛ برای نمونه در حالی برخی روایات غرر الحکم مشابه، بلکه عین عبارات کتاب الحکمة الخالدة تألیف ابوعلی مسکویه رازی، مورخ، فیلسوف، پزشک و ادیب ایرانی (۳۲۰-۴۲۰ق) است که کتاب الحکمة الخالدة ترجمه کتاب جاودان خرد است و عهده‌دار نقل پندهایی از هوشنگ، از حکیمان ایران باستان است. بدیهی است پیشگامی مسکویه بر آمدی و تقدّم نگارش کتاب الحکمة الخالدة بر کتاب غرر الحکم موهم اخذ روایات غرر الحکم از کتاب الحکمة الخالدة است.

همین منطقی پیشگامی، نسبت به کتاب عیون الاخبار تألیف ابومحمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه دینوری (۲۱۳-۲۷۶ق) صادق است که برخی عبارات آن، مشابه روایات غرر الحکم است؛ در حالی که از قول حاکم نیشابوری نقل شده است که می‌گوید: امت اسلامی بر این موضوع اجماع دارند که او کذاب بوده است.^۲ مؤلف کتاب ابن‌قتیبه نیز می‌گوید: بیشتر احادیثی که ابن‌قتیبه از شیوخ خود نقل کرده، مجعول است و برخی از آنها را عقل سلیم نمی‌پذیرد.^۳

آذرنوش در نهایت و پس از نقل روایات غرر الحکم که مشابه آن در سایر

۱. همان، ص ۲۴-۲۵.

۲. ابن‌عماد حنبلی؛ شذرات الذهب؛ ج ۲، ص ۱۷۰.

۳. اسحاق موسی حسینی؛ ابن‌قتیبه؛ ص ۴۹.

کتاب‌های عصر عباسی وجود دارد، این‌گونه اظهار کرده است که تشابه جمله‌های اندرز‌آمیز در غرر الحکم و کتاب‌های هم‌زمان به گونه‌ای است که ناچاریم یا منبع همه را یکی بدانیم یا اینکه به نوعی اقتباس معتقد شویم؛ زیرا بسیاری از این جمله‌ها بدون کوچک‌ترین اختلافی در دو یا چند کتاب تکرار شده‌اند؛^۱ ولی در پاسخ به شبهاتی در خصوص نفی اعتبار، عدم حجیت و فقدان استناد کتاب غرر الحکم می‌توان اظهار کرد:

نخست، مضمون و محتوای عبارات کتاب غرر الحکم از حیث والابودن محتوا، فصاحت و بلاغت به گونه‌ای است که می‌توان محتوای آن را به امام معصوم ۷ نسبت داد؛ زیرا این حکمت‌های متعالی، معمولاً جز از ناحیه معصوم ۷ که به علم الهی مستندند و هادی و راهنمای مردم هستند، صادر نمی‌شود؛ اما کتاب غرر الحکم، نامبرده به ترتیب حروف الفبا مرتب شده است. مصنف بر این بوده که کلمات جامعه منسوب به امیرالمؤمنین را که شواهد صحّت آنها طبق مضمون «قضیة قیاساتها معها» با خود آنها بوده، یعنی متن آنها نظر به علو مضمون و عظمت معنی و فصاحت و بلاغت خارق‌العاده دلیل صدور آنها از آن حضرت بوده است،^۲ جمع کرده است.

دوم، محتوای روایات ذکرشده در غرر الحکم که در حوزه امور سیاسی - اجتماعی قرار دارند، از مقولات تعبّدی نیستند، بلکه به گونه‌ای هستند که محتوای این روایات به واسطه اموری چون دلیل عقل، بنای عقلا، کتاب الهی و سنت و سیره اهل بیت : تأیید می‌شوند. بر این اساس علاوه بر اینکه مضامین

این روایات منافاتی با آموزه‌های اسلامی ندارند، به ازای هر کدام از این روایات می‌توان به شواهدی از کتاب، سنت، سیره، عقل و بنای عقلا اشاره کرد که مؤید محتوای روایات غرر الحکم باشند.

سوم، چنان‌که در شرح احوال آمدی گفتیم، وی از جایگاه والایی از حیث حدیثی برخوردار بوده است و اعتماد بسیاری از اندیشمندان صاحب‌نام شیعه مانند ابن شهر آشوب، علامه مجلسی و محدث نوری به وی را می‌توان ناشی از اهتمام ایشان در ذکر روایات از منابع معتبر دانست. بر این اساس نقل روایات غرر الحکم از جانب وی نمی‌تواند به اهمال و کذب مستند باشد و می‌تواند به قطع و یقین وی به صدور روایات از جانب امام علی ۷ مستند باشد.

چهارم، گرچه اسنادی برای روایات غرر الحکم ارائه نشده است، مفاد این روایات در روایات دیگری مشاهده می‌شود که به‌صورت مستند و در کتب معتبر روایی نقل شده‌اند؛ از این رو روایات مستند فوق می‌تواند دلیلی بر صدور روایات غرر الحکم از جانب امیرالمؤمنین ۷ باشد.

پنجم، کتاب الحکمة الخالدة درحقیقت ترجمه کتاب جاودان خرد است که سندی برای آن ارائه نشده و درحقیقت به افسانه‌ها و اساطیر قدیمی مستند است، بلکه بعید نیست عبارات این کتاب متخذ از کلماتی باشد که از حضرت علی ۷ در کتب روایی وجود داشته است و برخی ایرانیان ناسیونالیست مفاد این روایات را به خودشان مستند کرده باشند. چنان‌که امروزه نیز رایج است، برخی ایرانیان ناسیونالیست عباراتی از اهل بیت : را به کوروش (پادشاه ایرانی) مستند و نقل و ترویج می‌کنند. این امر از آن‌روست که عبارات غرر الحکم مقوله‌ای عقلانی و عقلایی است و فطرت‌های پاک آن را می‌پسندند.

درنهایت باید گفت این ادله قادر نیستند حجیت همه روایات را به صورت

۱. آذرتاش آذرنوش؛ «غرر الحکم آمدی و اندرزهای ایرانی»؛ ص ۲۸.

۲. عبدالواحد تمیمی آمدی؛ غرر الحکم؛ مقدمه، ص «که».

مطلق اثبات کنند؛ اما می‌توان با عنایت به ادله فوق، حجیت روایات را فی‌الجمله اثبات کرد و به صدور آنها از جانب امیرالمؤمنین 7 اعتماد کرد.

۵. جایگاه روایات در اندیشه اسلامی

عقل و قرآن از جایگاهی محوری در تبیین جهان‌بینی و ایدئولوژی مسلمانان برخوردارند و هر کدام از این دو در موارد بسیاری نقشی اساسی در فهم اسلام دارند و نشان‌دهنده دیدگاه اسلام به مسائل مختلف هستند؛ اما عقل بشری در موارد مختلف، از توانایی درک و تبیین مسائل اسلامی ناتوان است و از سوی دیگر بسیاری آیات قرآن، ذیل متشابهات قرار می‌گیرند و قابلیت استدلال ندارند، بلکه در استناد به آنها باید کلام معصوم 7 به آیات الهی ضمیمه شود و از تفسیر اهل بیت : در این خصوص بهره گرفت؛ بنابراین در این امور عمدتاً به روایات معصوم 7 استناد و استدلال می‌شود؛ زیرا روایات جایگاه وسیعی در فهم دین اسلام و آموزه‌های آن دارند و مسائل طرح‌شده در روایات، عمده زندگی انسانی را فرا می‌گیرد و در خصوص همه امور زندگی (فردی، اجتماعی و حکومتی) پاسخی فراخور وجود دارد؛ از این رو می‌توان با تکیه بر روایاتی که در کتب روایی گردآوری شده است، نقشه راه زندگی مؤمنانه را در یافت و الگوی زندگی مطلوب را برای شهروندان رقم زد، بلکه جامعه مطلوب و مورد نظر شارع را ترسیم کرد. این روایات که عمدتاً پاسخ‌های اهل بیت : به پرسش از وضعیت مطلوب زندگی مؤمنان است، می‌تواند به منظور اثبات وضعیت مطلوب یا نقد وضعیت موجود در جامعه محسوب شود.

این امر موجب شده است اندیشمندان متعددی با عنایت به جایگاه روایات،

در فهم زندگی مؤمنانه، تدوین کتب روایی را مد نظر قرار دهند و با جمع‌کردن این میراث غنی در کتب روایی، این روایات را از خطر از بین رفتن حفظ کنند و آنها را در معرض همه مؤمنان و اندیشمندان در سالیان غیبت امام معصوم 7 قرار دهند. غیبت امام معصوم 7 و گردآمدن مجموعه بی‌نظیری از مطالب دینی در این کتب روایی (مانند کتب اربعة الکافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب الاحکام و الاستبصار) موجب شد این کتب در طول سالیان متمادی، نماد و هویت تفکر شیعه محسوب شوند جدا از کتب اربعة شیعه که از اساسی‌ترین مجامع روایی به شمار می‌روند و گستره‌ای وسیع از مسائل اعتقادی، فقهی و اخلاقی را در بر می‌گیرند، کتب روایی بسیار دیگری نیز به دست اندیشمندان تدوین شده است که برخی از آنها به مثابه دایرةالمعارف شیعه محسوب شده‌اند (مانند کتاب بحار الانوار) و برخی دیگر به عرصه‌های خاصی از زندگی توجه کرده‌اند؛ بدین صورت که برخی کتب روایی، مباحث فقهی را در نظر گرفته و برخی اصول عقاید را محور بحث قرار داده‌اند و برخی دیگر نیز اخلاق، مواظب و حکمت‌های عملی و تربیت را سرلوحه خویش نهاده‌اند.

در مسیر رویکرد فراگیر به روایات است که فقیهان عمدتاً به روایات و نصوص شرعی استناد می‌کنند و با قراردادن آنها در فرایند استنباط احکام شرعی، روایات را استنطاق و استظهار می‌کنند و بر دلالت آنها بر مدّعی شرعی تأکید می‌ورزند.

۶. جایگاه روایات سیاسی در تبیین نوع نگرش به سیاست

گستره مباحث مطرح در مجامع روایی، همه مباحث زندگی مؤمنانه را در عرصه‌های عبادی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی، خانوادگی و قضایی در

بر می‌گیرد و کیفیت زندگی مطلوب در این امور را ترسیم می‌کند و نیز امامان شیعه و اندیشمندان آنان همواره در تقیه قرار داشته‌اند و بحث از مباحث سیاسی و حکومتی و ارائه دیدگاه‌های شیعه در خصوص سیاست و حکومت، آنان را در معرض خطر و تهدید قرار می‌داد؛ اما بخش بزرگی از روایات شیعه مرتبط با بحث حکومت و سیاست است و در میان این روایات می‌توان به روایاتی اشاره کرد که از حضرت علی 7 و در زمان حاکمیت سیاسی ایشان نقل شده است. بخشی از این روایات که در نهج البلاغه گردآوری شده است، مشتمل بر خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصاری است که بیشتر رویکرد سیاسی و حکومتی دارد یا می‌توان از آنها در این زمینه استفاده کرد. در کنار این روایات می‌توان به کتاب روایی غرر الحکم و درر الکلم اشاره کرد که بیشتر مشتمل بر کلمات کوتاهی است که رویکرد حکمت عملی دارد و شامل نصایحی است که می‌تواند در عرصه‌های مختلف زندگی به کار آید و به عنوان اخلاق کاربردی در گستره‌هایی از زندگی مورد استفاده قرار گیرد. بیشتر این روایات در زمان تصدی حضرت علی 7 بر حاکمیت سیاسی بر جهان اسلام بود؛ از این رو بیشترین حجم این روایات به حکمت‌هایی عنایت دارد که به عرصه سیاست و حکومت مرتبط است و به‌کار بستن آنها می‌تواند برای حاکمان و کارگزاران مفید افتد و شیوه‌ای از حکومت‌ورزی مطلوب را فراروی جامعه اسلامی قرار می‌دهد.

از این رو برخی روایات، به صورت ظاهر، ذیل روایات سیاسی جای نمی‌گیرند؛ اما چون بیش از اینکه کارکرد فردی داشته باشند، در عرصه اخلاق حکومتی و شیوه حکومت‌داری قابل استفاده هستند، می‌توان آنها را در جهت حکمت‌های عملی قابل استفاده حاکمان و کارگزاران در عرصه حکمرانی ارزیابی کرد.

در خصوص اینکه چه مسئله‌ای را می‌توان ذیل مسائل سیاسی (و بالتبع ذیل روایات سیاسی) قرار داد، باید گفت امور سیاسی از امور تکوینی و خارجی نیستند که بتوان به آن اشاره کرد، بلکه از امور اعتباری محسوب می‌شوند که به گونه‌ای به قدرت سیاسی، سلطه سیاسی، حکومت و تدبیر مطلوب امور شهروندان مرتبط‌اند؛ بنابراین ممکن است مسئله‌ای در زمانی خاص ذیل امور سیاسی جای گیرد و در زمانی دیگر، امری سیاسی محسوب نشود؛ مثلاً درحالی که موضوعاتی چون نماز جمعه، رؤیت هلال، حدود و دیات در زمان‌های گذشته از موضوعات سیاسی در فقه شیعه محسوب می‌شدند، امروزه از ذیل مسائل سیاسی خارج شده و ذیل امور عبادی یا حقوق قرار گرفته‌اند و در مقابل، اموری چون تفکیک قوا، تحرّز و بلکه سلاح‌های کشتار جمعی ذیل امور سیاسی جای گرفته‌اند.

بر این اساس گرچه برخی مباحث مطرح ذیل روایات غرر الحکم در اصطلاح امروز، مباحث سیاسی محسوب نمی‌شود و به اداره امور جامعه مرتبط است و تدبیر مطلوب امور جامعه را مدّ نظر قرار می‌دهد، می‌توان این روایات را ذیل روایات سیاسی جای داد.

۷. بیان مسئله تحقیق

کتاب روایی، سخنان و کلمات پیامبر 9 و سایر معصومان : که به روایات مشهور شده است، پس از قرآن اساسی‌ترین منابع آموزه‌های شریعت محسوب می‌شود. محدثان این روایات را که ناقلان اخبار در طول زمان‌های حضور اهل بیت : به‌خصوص در عصر غیبت نقل می‌کرده‌اند، در کتب روایی گردآوری و ثبت کرده‌اند. این روایات که مشتمل بر مجموعه‌ای از کلمات

گراقدر است، به عرصه‌های مختلف زندگی انسانی مربوط است. کتب روایی همواره حیثیت عمومی داشته و بخش‌هایی از زندگی فردی و مؤمنانه افراد را مد نظر قرار می‌داده است؛ در حالی که نیاز به تبیین و تنظیم تخصصی مجموعه روایاتی که در کتب روایی به مثابه روایات عامه پاسخگوی نیازهای جوامع دینی بوده است، در سالیان اخیر و به تناسب رشد و تخصصی شدن رشته‌های علمی، ضرورتی ناگزیر یافته است؛ زیرا همواره اندیشمندان عرصه‌های مختلف اسلامی به جهت دریافت دیدگاه شریعت در خصوص مسئله‌ای معین مجبورند متحمل فحص و جستجوی بسیار شوند، بلکه ممکن است در این جستجو به هدف خویش دست نیابند. این در حالی است که بسیاری از روایات از گرایش‌های خاص و تخصصی در علوم مختلف برخوردارند و دانش‌های متفاوت می‌توانند به صورت کارشناسی از آنها در جهت فهم شریعت در موضوعات آن دانش استفاده کنند.

بسیاری از رشته‌های تخصصی و نیازمندی‌های انسانی در جوامع به تدوین طبقه‌بندی تخصصی برای پاسخگویی به نیازهای خویش احتیاج دارند؛ اما با عنایت به پیروزی انقلاب اسلامی و ضرورت تبیین آموزه‌های جمهوری اسلامی به مثابه نظام سیاسی مبتنی بر آیات و روایات، شکل‌گیری طبقه‌بندی‌های تخصصی در گستره سیاست و حکومت، ناگزیر به نظر می‌رسد؛ زیرا تأسیس و اداره دین‌مدار، نظام سیاسی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی در عصر حاضر، مستدعی شرعی‌سازی نظام اداره امور جامعه و استناد نظریه‌ها، آموزه‌ها و احکام سیاسی به شریعت است.

بر این اساس دسته‌بندی روایاتی که دارای محتوای سیاسی‌اند یا از کاربرد سیاسی و حکومتی برخوردارند و به علل مختلف در طول عصر غیبت و

حاکمیت حاکمان جائز، در لابه‌لای کتب روایی، نایاب‌اند و به منظور اداره مطلوب حکومت دینی مورد استفاده قرار نگرفتند، می‌باید مد نظر قرار گیرند و بر اساس نیازها و مسائل مورد ابتلا در حکومت‌ها تقسیم‌بندی شوند. با توجه به اینکه مسائل حکومتی گستره‌ای فراگیر دارند و نیازهای مختلفی را در بر می‌گیرند، برخی اساس حکومت و مشروعیت آن، برخی جایگاه کارگزاران و رفتار آنها، برخی اهداف حکومت و ساختار سیاسی و برخی اخلاق سیاسی را در نظر می‌گیرند؛ بنابراین در مسیر تخصصی شدن علوم مختلف و گرایش‌های متفاوت حکومتی، تدوین کتبی مبتنی بر طبقه‌بندی‌هایی تخصصی در این گرایش‌های علمی ضرورت می‌یابد؛ نیز روایات صادر از ائمه معصوم : به شرایط زمانه آنها بستگی دارد و می‌تواند پاسخ آن امام در شرایط آن جامعه باشد؛ از این رو تجمیع و تبویب روایات متناسب به هر امام معصوم 7 نیز می‌تواند در پاسخ به نیازهای حکومتی، راهگشا باشد.

با توجه به این نکات، این تحقیق در صدد است روایات مستند به حضرت علی 7 - به عنوان تنها امامی که از حاکمیتی مقتدر بر سراسر جهان اسلام برخوردار است و الگویی در حکومت‌داری سایر حاکمان و کارگزاران محسوب می‌شود - را مد نظر قرار دهد و با محوریت کتاب شریف غرر الحکم و درر الکلم مجموعه‌ای از کلمات ایشان را که در جهت اداره مطلوب حکومت ارزیابی می‌شود و بیشتر ذیل اخلاق عملی سیاسی جای می‌گیرد، محور تحقیق قرار دهد و ضمن تقسیم‌بندی متناسب با روایات این کتاب، پاسخگوی نیازهای مرتبط با اداره مطلوب حکومت در جامعه اسلامی باشد.

مجموعه روایات مورد استفاده در این تحقیق که گستره آن محدود به کتاب غرر الحکم است و با فحص و جستجو از تمامی روایات این کتاب استخراج و

در قالبی منسجم و نظام‌مند ارائه می‌شود، به امور سیاسی - حکومتی نظر دارد یا در عرصه مدیریت امور سیاسی کاربرد دارد و حضرت علی 7 به عنوان حاکم اسلامی برای تحقق اموری چون «هدایت و تدبیر جامعه»، «ارائه دیدگاه‌های شریعت در خصوص ارکان و مؤلفه‌های حکومت»، «تبیین اخلاق سیاسی حاکم و کارگزاران» و «عواملی که در زوال و بقای حکومت دینی مؤثرند»، آنها را ارائه کرده‌اند. این تحقیق در صدد است با گزینش روایات عرصه سیاست و حکومت، از کتاب غرر الحکم و با دسته‌بندی و ایجاد نظام منطقی برای این روایات، نظامی از روایات تخصصی در گستره سیاست و حکومت را به منظور اداره مطلوب حکومت اسلامی به محققان، سیاستمداران، کارگزاران و حاکمان اسلامی ارائه کند.

این تحقیق جمع‌آوری و انسجام نظام‌مند روایات کتاب غرر الحکم را مد نظر قرار می‌دهد؛ بنابراین برای مجموعه روایات جمع‌آوری شده می‌توان سرفصل‌هایی در نظر گرفت که عبارت‌اند از: «مبانی و کلیات سپهر سیاست»، «حکومت اسلامی»، «اخلاق سیاسی»، «تدبیر در اداره حکومت» و «عوامل بقا و زوال حکومت».

فقدان مجامع روایی تخصصی به‌ویژه در عرصه سیاست و اداره شئون مختلف نظام سیاسی و حکومت، عدم انسجام و نظام منطقی برای در کنار هم قراردادن این روایات از جمله کاستی‌ها در کتب عرصه سیاست است که تدوین مجامع روایی تخصصی به‌ویژه در گستره سیاست و امور سیاسی و حکومت را در قالب نظام منطقی (در زمان تصدی فقیهان بر قدرت سیاسی و ضرورت استناد امور حکومت به آموزه‌های شریعت)، به‌ویژه روایاتی را که حضرت علی 7 در زمان حاکمیت سیاسی خویش ارائه کرده است، برای

تبیین ماهیت آموزه‌های سیاست دینی ضروری می‌کند. آثار و فواید بسیاری می‌تواند بر این اثر مترتب شود که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: الف) تسهیل در گستره امر سیاست پژوهی دینی؛ ب) تهیه نظامی منطقی برای باب‌ها و کتاب‌های مرتبط با عرصه سیاست؛ ج) ارائه مجموعه‌ای منسجم از روایات در عرصه اخلاق سیاسی حاکمان و کارگزاران؛ د) ارائه مجموعه‌ای منسجم از روایات در عرصه عوامل بقا و زوال حکومت؛ هـ) الگویی روایت‌مدار از حضرت علی 7 برای اصحاب سیاست، حاکمان و کارگزاران.

۸. ویژگی‌های این تحقیق

این تحقیق در صدد بوده است روایاتی با محتوای سیاسی، حکومتی یا دارای کاربرد در عرصه سیاست و حکومت را از میان روایات کتاب غرر الحکم اصطیاد کند و آنها را ذیل نظامی منطقی و مشخص گردآوری نماید؛ بنابراین نگارنده در آغاز با مطالعه تمامی روایات غرر الحکم موارد قابل استفاده در عرصه سیاست و حکومت را گزینش کرده و آنها را ذیل ساختاری مشخص، مبتنی بر نظامی متناسب با عرصه سیاست و حکومت جای داده است؛ از این‌روی ساختار تحقیق موجود، بر امری پیشینی مبتنی نیست، بلکه مطابق نظامی بومی و متناسب با روایات اصطیاد شده است و جای‌گذاری هر یک از روایات ذیل هر کدام از ابواب ارائه‌شده با دقت و وسواس بسیاری انجام شده است.

بر این اساس هر آنچه در این تحقیق به عنوان روایت آمده است (گرچه تقسیم‌بندی و خوانش جدیدی از روایات غرر الحکم است)، برگرفته از اصل کتاب غرر الحکم است و مشتمل بر حدود ۱۶۰۰ روایت از روایات آن کتاب حدیثی است که ذیل موضوعات سیاسی قرار دارند یا قابل استفاده در عرصه

سیاست و حکومت هستند. در این تحقیق، برای مشخص شدن موقعیت و جایگاه این روایات در کتاب غرر الحکم شماره‌های روایات بر اساس کتاب شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم^۱ انتخاب شده است که از شماره‌گذاری‌های متأخر، مطلوب‌تر به نظر رسیده است؛ بنابراین در آخر هر روایت، شماره‌ای مندرج شده است که نشان‌دهنده اصالت و جایگاه آن در اصل کتاب غرر الحکم است؛ برای مثال در نمونه ذیل که در تحقیق آمده است، شماره ۱ نشان‌دهنده شماره این روایت در میان روایات این کتاب است و جمله «سِيَّاسَةُ النَّفْسِ أَفْضَلُ سِيَّاسَةٍ» خود روایت است و شماره (۵۵۸۹) نشان‌دهنده جایگاه این روایت در کتاب شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم است و جمله «سیاست‌کردن نفس برترین سیاست‌هاست»، ترجمه این روایت است که برگرفته از ترجمه فضل‌الله محلاتی است.

۱. سِيَّاسَةُ النَّفْسِ أَفْضَلُ سِيَّاسَةٍ (۵۵۸۹): سیاست‌کردن نفس برترین سیاست‌هاست.

ذکر این نکته نیز در نهایت ضروری است که ترجمه‌های متفاوتی از غرر الحکم موجود است و ترجمه‌ای که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است، برگرفته از ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی^۲ است که به نظر می‌رسد از دیگر ترجمه‌ها برای این تحقیق، از حیث فهم و ایجاز، مناسب‌تر بوده است؛ بنابراین نگارنده این تحقیق، ضمن حفظ امانت، همان ترجمه را به این بخش منتقل کرده است.

۱. آقا جمال خوانساری؛ شرح جمال‌الدین محمد خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم؛ ۱۳۶۶.

۲. سیدهاشم رسولی محلاتی؛ ترجمه غرر الحکم و درر الکلم؛ طهران: مکتب نشر الثقافة، ۱۴۲۰ ق.

فصل اول

مفاهیم اساسی سیاست دینی

وقتی از علم سیاست و مباحث آن سخنی به میان می‌آید، گاهی مراد از آن، مفهوم خُرد سیاست است که به مباحثی چون نظام سیاسی یا حکومت، نهادهای حکومتی، خط مشی‌ها و اعمال آن‌ها، شیوه اعمال قدرت و اداره امور جامعه نظر دارد و گاهی منظور از آن، مفهوم کلان سیاست به همراه زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نهادهای حکومتی، زمینه‌های اجتماعی قدرت سیاسی، تکوین و استمرار و زوال حکومت‌ها، رفتار سیاسی فردی و جمعی، نهادهای سیاسی غیردولتی مانند سازمان‌ها و گروه‌های ذی‌نفوذ، روابط دولت‌ها، اندیشه‌ها و فلسفه‌های سیاسی، رابطه نیروهای اجتماعی یا جامعه مدنی با زندگی سیاسی، فرهنگ سیاسی، رفتار توده‌ای، تاریخ سیاسی یا دیپلماسی و اقتصاد سیاسی ملّی و بین‌الملل است.^۱

از منظر دیگر می‌توان از دو نوع علم سیاست سخن راند. درحالی‌که علم نظری سیاست مشتمل بر مجموعه مطالعات فلسفی، تاریخی، جامعه‌شناسانه،

۱. حسین بشیریه؛ آموزش دانش سیاسی؛ ص ۱۹-۲۰.